

گزارش
یکی از میزگردهای
جشنواره کتاب کودک و نوجوان کانون

انقلاب

«ابراهیمی» در پاسخ به این سؤال که این ادبیات چه نقشی در وقوع انقلاب اسلامی داشته است، گفت: «قبل از انقلاب، ادبیات کودک و نوجوان نداشتیم و به همین دلیل، نمی‌توانیم بگوییم که این ادبیات نقشی در انقلاب داشته است، ولی خود جوانان و نوجوانان در این انقلاب، نقش زیادی داشتند.»

«محمد میرکیانی» دومین سخنران جلسه بود که در تعریف ادبیات انقلاب گفت: «ادبیات انقلاب را می‌توان ادبیاتی دانست که پس از یک رویداد بزرگ اجتماعی و به صورت گسترده شکل گرفته است. این ادبیات شامل داستان‌هایی است که به طور مستقیم به وقایع انقلاب مربوط می‌شوند و بیشتر از آنکه داستان انقلاب باشند، داستان‌هایی درباره تاریخ انقلاب برای کودکان و نوجوانان هستند.»

وی در ادامه افزود: «جنگ ما هم، ادامه انقلاب اسلامی بود. معمولاً بعد از هر تحول اجتماعی یا هر انقلاب ریشه‌ای که در نیمه دوم قرن بیستم روی داده‌است، جنگی بر آن کشور درگیر تحمیل شده است. این مسئله در مورد ما هم تکرار شد، در حالی که خواست کشور ما نبود. بنابراین، ادبیات جنگ هم ادامه ادبیات انقلاب اسلامی است. به طور کلی هر رویداد مثبت، تحول آفرین، شگرفت و تاثیرگذاری که بعد از انقلاب، در نظم و نثر ادبیات کودک و نوجوان ما روی داده، نتیجه انقلاب بوده است. اگر قصه‌های علمی خوبی نوشته شده، اگر توجه خوبی به ادبیات کهن و گسترش ادبیات قومی و عامیانه شده و... همه اینها به ادبیات انقلاب مربوط می‌شود.»

وی همچنین افزود، «محدود کردن ادبیات انقلاب به قصه‌ها و آثاری که مستقیم به وقایع انقلاب اسلامی مربوط می‌شوند، نوعی ستم کردن به ادبیات انقلاب و خود انقلاب است. نباید تحول عظیمی را که انقلاب اسلامی در ادبیات کودکان ایجاد کرده است، نادیده گرفت.»

«محمد رضا محمدی پاشاک» سخنران بعدی بود که با اشاره به تعاریف گفته شده از طرف سخنرانان قبلی گفت: «اگر بنا باشد کلیه آثار داستانی را که در سال‌های اخیر چاپ شده‌اند به عنوان ادبیات داستانی ویژه انقلاب اسلامی نامگذاری کنیم، بنابراین باید آثاری را نیز که قبل از انقلاب، با زمینه‌های انقلاب مطرح شده‌اند جزو آثار داستانی ویژه انقلاب بدانیم.» وی در زمینه آثار بزرگسالان پیش از انقلاب، به داستان خاک نوشته «محمد دولت‌آبادی» اشاره کرد که در آن مضامینی



محمد میر کیانی

بود.»

«ابراهیمی» در مورد دوره‌های متفاوت فعالیت نویسندگان اظهار داشت:

«در سال‌های بعد، هر چند باز هم نویسندگان به خلق آثاری برای کودکان و نوجوانان دست زدند، اما همان‌طور که اشاره شد، همه دور از دنیای کودک بودند. عده‌ای به پند و اندرز دادن روی آوردند، عده‌ای سعی می‌کردند حرف‌هایی را که نمی‌توانند به صورت مستقیم برای مخاطب بزرگسال بزنند، در داستان‌های کودکان طرح کنند و در دوره‌ای، نویسندگانی همچون «صمدبهرنگی»، به طرح مسائل سیاسی در داستان‌های کودک و نوجوان، پرداختند. در دوره‌ای نیز عده‌ای از نویسندگان همچون «احمد شاملو» که در کار برای کودکان موفق بودند، کارهایی ارائه دادند که ناخواسته مورد علاقه کودکان و نوجوانان قرار گرفت. در قصه‌ها هم بیشتر، موضوعات اجتماعی به صورت نمادین و در قالب زندگی حیوانات مطرح می‌شد.»

سومین جشنواره «مطبوعات» و هفتمین جشنواره «کتاب کودکان و نوجوانان» از ۲۷/۸/۴ تا ۲۷/۸/۱۱ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد. عصر روز جمعه ۲۷/۸/۸ میزگردی با حضور آقایان «محمد میرکیانی»، «محمد رضا محمدی پاشاک» و «جعفر ابراهیمی شاهد»، در حاشیه جشنواره برگزار شد که گزارشی از آن را می‌خوانید:

«جعفر ابراهیمی» در پاسخ به سؤالهایی مانند «نقش انقلاب در رشد ادبیات کودک و نوجوان چیست؟»، «نقش ادبیات کودک و نوجوان در انقلاب چیست؟» گفت: «پاسخ دادن به چنین سؤالهایی نیاز به آن دارد که ابتدا به تاریخچه‌ای از ادبیات کودک و نوجوان در ایران اشاره کنیم و بعد به بحث درباره خود ادبیات کودک بپردازیم تا به ادبیات انقلاب اسلامی برسیم. بیشتر مامی‌دانیم که ادبیات کودک و نوجوان، موضوعی کاملاً تازه و نوظهور در ایران است و برخلاف کشورهای دیگر، شاید پیش از پنجاه سال از عمر آن نمی‌گذرد.»

وی در ادامه با اشاره به نقش انقلاب مشروطه در تحول زبان و اندیشه نویسندگان و هنرمندان و شمر گفت: «انقلاب مشروطه در زبان و اندیشه شعرا و نویسندگان و هنرمندان، تحول ایجاد کرد. پس از این تحول، نویسندگان کوشیدند از دربارها و برجهای عاج خود به میان مردم کوچه و بازار بیایند و شاعرانی هم تلاش کردند تا به زبان مردمی و عامیانه صحبت کنند. از جمله آنها، «ملکالشعرا یه‌پار» بود که حتی شعر کودک را تجربه کرد و «یحیی دولت‌آبادی»، «ایرج میرزا» و چند شاعر دیگر نیز تجربه‌های موفق در این زمینه داشتند.»

«جعفر ابراهیمی» در مورد دید نویسندگان دوره مشروطیت نسبت به ادبیات کودک گفت: «به دلیل عدم آشنایی نویسندگان این دوره با مسائلی همچون روان‌شناسی کودک و غیره، آنها طبق عادت، سعی می‌کردند از نگاه یک مربی و معلم با کودکان و نوجوانان برخورد کنند و در آثارشان به آنها پند و اندرز دهند. این کار از آنجاست که آنها فکر می‌کردند، وظیفه ادبیات کودک فقط همین می‌تواند باشد. در این میان «یحیی دولت‌آبادی» موفق‌تر از سایرین بود، چون شاعرش را به زبان کودکان می‌سرود. بیشتر فعالیت‌های این دوره در زمینه شعر بود و در زمینه‌هایی همچون خلق «قطعه ادبی»، فعالیت چشمگیری صورت نمی‌گرفت. گاهی هم قصه‌هایی به صورت منظوم درمی‌آمد و این نوع آثار، بیشتر ترجمه قصه‌هایی از زبان فرانسه

به مناسبت دهه فجر

ادبیات کودک

ابتدای انقلاب، ناشی از این مسئله است که این آثار، تحت تاثیر شرایط ویژه‌ای خلق شده‌اند.

در ادامه میزگرد «جعفر ابراهیمی» دلیل ضعف ادبیات انقلاب اسلامی را فاصله زمانی کوتاه میان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی دانست و گفت: «جنگ انقلاب را تحت الشعاع قرار داد و باعث شد بیشتر شاعران و نویسندگان به جنگ بپردازند و شاید به همین دلیل است که ادبیات جنگ از ادبیات انقلاب، غنی‌تر است، منتها به نظر من، بیش از آنکه ادبیات در انقلاب نقش داشته باشد، انقلاب در ادبیات نقش داشته است. چیزی که آقای «میرکیانی» به آن اشاره کردند و من هم با آن موافقم، این است که من نویسنده باید انگیزه‌های داشته باشم تا بنشینم و برای انقلاب بنویسم. اگر کار من با علاقه نباشد، نتیجه خوبی به دست نخواهد آمد. حال وقتی سازمانی می‌آید و برای این کار به من نویسنده که نیاز مالی دارم، در قبال نوشتن اثری، پول پیشنهاد می‌کند، من نویسنده به دلیل نیاز مالی‌ام، این کار را قبول می‌کنم، حتی ممکن است با انقلاب هم‌مخالف باشم.»



محمدرضا محمدی پاشاک

انقلاب بنویسیم؛ مثل تصمیم‌هایی که مسئولان می‌گیرند و فکر می‌کنند که همان فردا هم باید اتفاق بیفتد. ادبیات باید بجوشد. «همچنین «پاشاک» با اشاره به اینکه نویسندگان سه دسته هستند، گفت: «دسته اول، کسانی هستند که بر اساس تجربه‌ها و شنیده‌های شخصی خود، خاطرات و زندگینامه‌هایشان و... داستان می‌نویسند و می‌شود نام‌آنها را هنرمند حسی - تجربی نامید. گروه دوم، منطقی‌پر خورند می‌کنند. آنها بر علوم نظری که به دنبال علتهای ماجراها می‌گردند تکیه می‌کنند و این‌گونه داستان می‌نویسند. گروه سوم هم وجود دارند که هم احساس را در نظر می‌گیرند و هم منطقی و مطالعه و... را. اینها از جدی‌ترین نویسندگان ما هستند. ما در طول سالهای گذشته از گروه اول، داستانهای حسی خوبی دیده‌ایم که کافی نبوده است؛ علت هم این است که هنرمند پا را از تجربه‌های شخصی بیرون نگذاشته و به مطالعه نپرداخته است. نویسندگان کودک و نوجوان ما خیلی به این ابزارها مسلح نیستند. بسیاری از آنها که مال این دوره هستند، گاه حتی زحمت بعضی از کارها را که برای داستان‌نویسی ضروری است، به خود نداده‌اند.»

«پاشاک» در ادامه افزود: «کمبودهای موجود در آثار داستانی

همچون زمین و مبارزه با خان مطرح شده‌است و نیز فیلم سنگ را مورد اشاره قرار داد که به نوعی، به مفهوم انقلاب به صورت عام، اشاره دارد، اما خیلی با انقلاب اسلامی مرتبط نیست.

در ادامه بحث «میرکیانی» در جواب به سؤالی «محمود جوان بخت» (مجری برنامه)، مبنی بر اینکه «آیا ما توانستیم تمام ابعاد انقلاب را از نقطه شروع آن - سال ۴۲ تاکنون در آثار ادبی مان مطرح کنیم؟» و «دستاوردها ما در این بیست سال چه بوده است و درس‌های آینده چه باید بکنیم؟» گفت: «دو نیازی که نویسندگان کودک و نوجوانان می‌بایستی در سالهای اخیر به آن پاسخ می‌دادند عبارتند از: نیاز ادبیات و نیاز انقلاب. به نظر من، آثاری که اساسا برای کودکان و نوجوانان نوشته می‌شوند، باید ویژگی یک اثر ادبی را داشته باشند تا بتوانند بر مخاطب تاثیر بگذارند.

اگر مضمون نوشته‌های درباره انقلاب اسلامی باشد اما اثر، ویژگی‌های ادبی و ساختار جذابی نداشته باشد یا اگر اثری ویژگی‌های ادبی و ساختار جذابی داشته باشد اما انقلاب به صورتی کم‌رنگ در آن مطرح شود، نمی‌شود گفت که آن اثر متعلق به ادبیات انقلاب است.»

«میرکیانی» در ادامه به مشکلات اصلی طرح‌مضامین انقلابی در ادبیات کودکان پس از انقلاب اسلامی پرداخت و گفت: «مشکل اول، این است که مقوله تاریخ، تخصصی، فنی و پیچیده است. مشکل دیگری که پس از انقلاب اسلامی روی داد، اما در انقلاب‌هایی همچون مشروطه به وقوع نپیوست، تحولات سریع این چند سال بود. به دلیل حجم گسترده و وسیع حوادث از سال ۵۷ به بعد، احساس می‌کنیم که طرف‌این بیست سال، قرن‌ها گذشته است، به صورتی که از تحلیل ساده و ابتدایی حوادث گذشته در می‌مانیم، چمبرسد به اینکه بخواهیم قالب مناسبی برای طرح‌مفاهیمی با این حجم وسیع پیدا کنیم. مشکل دیگر، گسترش بی‌امان و روزافزون رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی است. «او در ادامه به تناقضها و تفاوت‌های میان آرا و برداشتهای مختلف مسئولان کشور از انقلاب و شعارهای آن اشاره کرد و عامل مذکور را سبب‌آزار گرفتن نویسنده و مخاطب در وضعیتی ناپایدار دانست. «میرکیانی» ادبیات را به عنوان مقوله‌ای که «تصمیم‌گرفتنی» نیست، تعبیر کرد و گفت: «مانمی‌توانیم الان بیاییم تصمیم بگیریم که صد تا رمان برای